

نقش دولت در اقتصاد

صدساله اخیر ایران

منابع حاصل از امتیاز گیرنده فرار می گرفت و بخش اعظم منابع عمومی از آن نیز اساساً صرف ادارات، کارخانجات و زندگی جاری میبرای می شد. بهرحال، شش پارس سال ۱۹۸۰ هجری شمسی جدیدی به خرابان و افکار شد و تنها از ارائه نفع ۱۳۱۰-۱۳۰۰ دولت گنجانده تازه ای را در زمینه های اقتصادی برداشت.

پس از کودتای ۱۲۹۹، اقدامات رسمی برای به اصطلاح امنیت در کشور به عمل آمد. در نتیجه، اطراحت بوسه یافت و تجارت داخل و خارجی از نظر حجم و ارزش افزایش یافت. بانک شاهی سابق ایران در سال ۱۳۲۱ گزارش داد که برای اولین بار با طریقی حساب گشایش به یک از صد بیست گانه به خاطر افزایش اشتغال ناشی شد است و دست در همین مسیر بود که حیات کارخانه های مانی و ریبات و صنایعی در این کشور متولد و متحرک و تنظیم مالبه دولت وقتند آغازی یعنی های ایران به روسیه و بالاخره از فلبس، هندو، افزایش طلب توجه درآمد نفی شد که آن زمان ملامت عمومی ماضی آلات و تجهیزات را ایجاد بانک ملی ایران را به دنبال داشت. گسگی نشانه های روشنی از اهداف دولت برای رشد اقتصادی کشور است.

در آغاز دهه ۱۳۱۰، مداخله دولت در تجارت خارجی بیشتر از حوضهای جنگ اقتصاد کشور بود. ظاهراً به همین جهت بود که تلاشهای اشتغال مملات خارجی را در کشور خود داد و در واقع ارزش صادرات غیرنفتی ایران از سال ۱۳۱۰ برای اولین بار در قرن بیستم از ارزش کل واردات کشور شد و این در ظاهر کارهای کنترل دولت را تأیید می کرد. اگرچه، در حقیقت، تحت عنوانی از فعالیتهای دولت مؤثر و قابل توجه نبود و در ارقام مربوط به تجارت دنیال در ۱۳۱۰ در بازتاب واضحی در توسعه و عدم اطمینان در جامعه حکایت جان وارد شدن گران به دنبال تغییرات سریع قوانین آن زمان بود.

با آنکه در دهه ۱۳۲۰ هجری ۸۰ تا ۸۵ درصد از جمعیت شاغل در کشور کشاورزی اشتغال داشتند، توجه دولت به این بخش عملاً جایز و با هیچ بود و امکان اجباری از ایالات بانگرت نسبت سیاست اتخاذ شده در مورد منابع آسانی کشور بود. ولی فعالیتهای ساختمانی در مناطق شرقی از جمله در بخش گسترش یافت و به خصوص برای ادارات دولتی ساختمانی دولت بود که در این بخش مدارس و مراکز عالی و پهنهای حاصل گردید و به این ترتیب دولت از طریق وزارتخانه های مختلف و سازمانهای گشتی بسیار وسیع تر در گشوده را در اقتصاد کشور جهند هرشد.

چک جهتی و اشتغال ایران از سوی متفکین، تغییرات در حال انجام را متوقف ساخت. در اواخر جنگ، در شرایط بهبود یافته بود. موضوع برنامه ریزی منظم که در دهه ۱۳۱۰ گاهی مورد بحث قرار می گرفت، با تأکید بیشتری مطرح شد. سال ۱۳۲۵ دولت برای حیات برنامه ریزی تشکیل داد. این حیات به سرعت اقدامی در تهیه یک برنامه عملیاتی بود. طبعی است که برای نور برنامه ای از سوی دولت به معنای افزایش کنترلها و مداخلت های دولت در نظام اقتصادی منافی تلقی می شود. این امر در نهایت قابل از هر چیز سازماندهی منابع آبروی بود و قرار شد حدود ۷۰ درصد از نیازهای برنامه ریزی از منابع خارج از توان فعالیت های دولت داخل و خارج تأمین شود. به عبارتی دیگر یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری از بانک بین المللی ترمیم و توسعه (که جهت ارائه توجهات فنی - اجرایی آن شرکت آمریکایی مورسون - نوسن به ایران تعیین شد) در حدود ۲۲ درصد درآمد برنامه و درآمد فروش نفت در ۱۷٪ درصد منابع لازم را در این برنامه تأمین می کرد.

برنامه مزبور که در آن زمان به عنوان «جهشی زرگه برای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی تلقی می شد» با وقوع جریان ملی صنعت نفت کشور در سال ۱۳۲۸ و قطع اراده های خارجی از یک سو و عدم پرداخت وام بانک جهانی، عملاً به نقشی جای خاک گرفته زمان سپرده شد. تا آنکه در سال ۲۰ هجری بدعی سال ۱۳۲۳ که در ماهنامه کلان بار درم کرد دولت به تکرار تلاش در ایجاد دولت با استفاده از ۱۳۲۴ درصد سرمایه فنی منابع خارج ایران تصرف شد و با استناد قرار داد گنرسیم در فروردین ماه ۱۳۳۳ جاری

استفاده نیستند قرار دهد و نگاه روی آنها را تا سطح زمین با زبانه های شهری بر کند و بگذاره مؤسسات خصوصی این استکبار را از محو رسین دوراند. دیگر بیکاری و بیهوده نخواهد داشت. در واقع عمل عملیات در ایجاد هیئت و چهره های ماندن آن است. لیکن اگر در این راه منابع ملی و سیاسی مورد استفاده باشد، راهی که در بالا آمد تا حد بهتر است... (کتاب - کتاب نظریه عمومی اقتصاد، بهره و پول)

به این ترتیب فشارهای اجتماعی ایجاد شده در نظر مردم برای توسعه فعالیت های اقتصادی دولت که در جنگ جهانی اول عملاً تا حدودی تحقق عینی یافته بود، در خلال بحران اقتصادی ۱۹۲۹ و سالهای پس از آن تیزتر شد و پس از جنگ جهانی دوم این مانی نظری گامی ثابت گردید. معنای آن از زمان تاکنون، همچنان دریاب مداخلت های اقتصادی پذیرفته شده - استولات اساسی مطرح است. در داخلها در کدام بخشهای فعالیت دولت ضرورت گیرده حدود دولتهاي دولت کمالناست و با هر اندازه سبک تر که در این خصوص قابل طرح می باشد، بنابراین در حال حاضر، نظری رسد هیچ نظریه کلی و ریاضیات بخشی درباره دولت در هیچ یک از چهارچوب نظری عینی وجود داشته باشد و از این بشر، کاربرد نظریه های

موجود در مورد کشورهای نفی یا اگر مسیح در گفته باشیم میسر است. گند گمانده عمده نفت خام در کشورهای خاورمیانه است که با سردگی عصبی رونده بود، پس از آن کشورها ایزوا، عربیاد نفی در دست بسیار زرگی از درآمدی و درآمد دولت را تشکیل می دهد. تأیید، عربیاد دولت که در فعالیتها معمول مالیاتی از پشتیبانی حکومت اقتصادی داخلی به دست می آید و نه نهادت اختیاری سوسیالیست. عربیاد مویسات دولتی است بلکه مویسات که ایست که در تاریخ سابقه داشته است و در آن روش توسعه اقتصادی تاجرو زده ای، مسلط از حسم مایزه اقتصادی تولید شده در داخل کشور حاصل می می شود دولت این عواید گنی را دریافت و هزینه می کند و همین امر استقلال فنی - اقتصادی بخش نفت را بصورت استقلال اجتماعی - اقتصادی دولت تغییر می دهد. به عبارت دیگر «دولت بصورت سرچشمه تقریباً منحصراً بهره قدرت اقتصادی و اجتماعی در این امر قدری که به دست از کشورهای مولد جامعه میجاست و این پشتیبانی مختلف از فعالیتها این جمله بخش خصوصی است که برای کسب حوضهای مستقیم رفاهی خود به دولت وابسته می شود و دولت از طریق هزینه کردن و مداخله های نفی، ایران امکان پذیر می سازد.

سابقه تاریخی نقش دولت در ایران برای بررسی عمیق تر زوایای مختلف مانی نظری مباحث مزبور که در مورد ایران قبل از انقلاب اسلامی، به عنوان نمونه به جزایای از یک بحث کلی، به نیازهای باید از لحاظ تاریخی به عقب بازگشت. جایی که دولت اساساً در نظام اقتصادی کشور در قرن گذشته مستقیماً نقش اساسی نداشته است یعنی سال ۱۳۲۸ (۱) تا سال ۱۳۲۸. پس از وقوع در اقتصاد ایران به فروغ امتیاز به موسسات خارجی به دولت در نظر شد. در دوره های از منابع اقتصادی مدهوده است. اطلاعاتی امتیاز تلغی، امتیاز تأسیسات بانک به وزیر، امتیاز شیلتا به ایالات وقت، امتیاز تلگراف، کمیته نفت و اروپا و بسیاری از امتیازات و افکار شده در این جمله مملاتی بود. مورسون، در دوره این امتیازات به هیچ راهی در قالب یک برنامه توسعه عمومی اقتصادی مطرح نی شد. بلکه در وقت شدد آنها با نارس ملامت شان در جهت

از اقتصاد سیاسی کلاسیک، از آدام اسمیت، به اصطلاح پامر علم اقتصاد گرفته تا کارل مارکس و کلاسیک مارکسیسم، دولت در تحلیل مانی به عنوان یک معوله اجتماعی - اقتصادی تعیین شده و نه تعیین کننده در نظر گرفته می شود. اگر چه تئوریهای مربوط به بحث دولت و نقش آن در نظامهای اقتصادی، با باکنگر متفاوت است. ولی تئوریهای افکار بر این عقیده بوده اند که دولت به طبقات اجتماعی وابسته است و عامل تغییرات اقتصادی نیست.

با پایان قرن نوزدهم، همراه با باگذارن به عرصه قرن بیستم، تجربه برخی از کشورهای اروپایی مانند آلمان زمان این شرایط را تا حدی تبدیل کرد و در خلال جنگ جهانی، دولت، علیرغم سلطه کم و بیش همه جانبه مانی نظری اقتصادی کلاسیک، و معاریت این مانی با افزایش مداخلت های اقتصادی دولت، جریان حوادث عملاً این مداخلات را تثبیت پذیر ساخت.

فلسه نمانین مانی جنگ، دولتها را وادار ساخت که به نوعی تقویت و همه جانبه تر به سوی برنامه ریزی و کنترل افزایش قدرت حرکت کنند. در دوره های خاصه مالیاتهای چندینی را وضع کردند و به منظور کنترل سوده های باآورده ناشی از جنگ برای گروهی خاص، بروسه است افزایش یافت. مالیات بر اجناس لوکس و تصحیل مانی با این هدف که از حرکت غیرمطمینی تولیدی در تولید مواد و کاملاً اساسی به سوی این قبیل تولیدات پولگریزی که مداخلت مالیات بر مصرف به منظور جلوگیری از مصرف کالاهای که کمتر عرضه می شد به توسعه رسید. علاوه بر این، موضوع نرسه مواد فلزاتی با توجه به این واقعیت که کلیه کشورهای درگیر در جنگ، به اشتیاق آمریکا وارد کنند مواد فلزاتی از خارج بودند. افزایش مداخلت های دولت در کنترل این مواد را تقصیر کرد.

سواد غلانی شاکت گذارند. در برخی از مواد غلانی براساس نوع هر کس مملاتی که از این مواد می توانست در اختیار بر زده قرار گیرد، همیشه بندی شد. در حالی از پایان جنگ جهانی گذشته بود که جهان در گسستیمت دست به گرمیای یکی از سخت ترین بحرانهای اقتصادی - اجتماعی خود یعنی بحران اقتصادی معروف ۱۹۲۹ شد. این سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۳۰ بیش از ۸۵ هزار شرکت ورشکست شد و پنج هزار بانک فعالیت خود را متوقف ساختند. ارزش سهام در بازار نیویورک، ۸۷ میلیارد دلار به ۱۹ میلیارد دلار تنزل کرد. تعداد بیکاران به ۱۲ میلیون نفر تقریباً یک چهارم از جمعیت آمریکا و برای تأمین معاش خود نیاز داشتند. حدود کنسروازان آمریکا به مقاری کمتر از نصف رسید و تولیدات کشاورزی تقریباً ۵۰ درصد کاهش یافت. به همین دلیل که در نظام اقتصادی سرمایه داری و تاوگونی کامل فاصله ایجاد نداد و برای جلوگیری از این مساله اتخاذ تدابیر عینی گشته شدیدی لازم بود. اما بشر از زمان تألیف به این مرحله، تشخیص نبود در دوره لازم بود و این واقعیه که در معررفین اقتصاد این قرن بیش از هر وقت منجر شد.

جوان گستر عواید، بحران اقتصادی ایجاد شده و ساد و در ضمن افزایش پیمانته بود. دولت می تواند در هر زمانی که پس از آن بیشتر از سرمایه گذاری است، قدم به مسجه اقتصادی جامعه گذارده که نظارت در چنین مساله است. در دوره های نظریه های که با باکنگر برکنده، بعد آنها را در عقب لازم در معاینه زغال سنگ، گدنگ سوره شماره سوم ص صفحه ۵

شده محده نفت در لرزه های حاصلزایی، درآمد نفتی ایران تقریبا افزایش یافته بطوری که مراد ۶۱ میلیون دلار در نفت در سال ۱۳۳۳ به میزان ۲۳۳ میلیون دلار در سال پایانی برنامه دوم ارزیابی یافت و بعد از آن در دوره اول نفت در سال ۱۳۳۲ به ۶۱٪ گسترش پیدا کرد.

به این صورت توان پرداختن ارزی تسهیلات در خلال برنامه دوم عمرانی، اکثر افزایش یافت و هزار و آن مقیاس درهای باز اقتصادی، اساسی استوار حرکت اقتصادی کشور را شکل بخشید. گسترش بسیار سریع سیستم بانکی از طریق ایجاد بانکهای دولتی، منطقت و خصوصی، ستونخانه اعتباری سرمایه گذاریهای صنعتی را بخصوص در سوی بخش خصوصی و سرمایه داران وابسته فراهم می ساختند. تصویب و اجرای قوانینی چون قانون حمایت از صنایع گلداری خارجی، در سال ۱۳۳۶ قانون تضمین امنیت سرمایه های آمریکا، به امکانات مناسب برای سرمایه گذاریهای مختلف خارجی به کشور مهیا گردید. برای ورود بانکها توسعه صنعتی و معدنی ایران در سال ۱۳۳۸ که عمده ترین بانکهای آمریقایسی- جهان سازمانداران آن محسوب می شدند، تمام ارزیهای اقدام در نظام فراموشی سرمایه های ابرنج طرح کاملا وابسته ریزه نظارت عالیله دولت های وقت فراهم شد.

در یک شرایط آیدال از حرکت کارگزار جامعه بود و در لحاظ اقتصادی منگی بر تمام با بخش از آن جامعه و دارای پایه های اجتماعی مبین شد و رفتار خلاف منافع ملی دولت می تواند به اشکال مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیر سؤال قرار گیرد ولی بعد از سال ۱۳۴۱ از آنجا که دولت از لحاظ مالی- اقتصادی مستقل از جامعه ایران شد، این فرصت را می باید که تمام حرکات حق طلبان سیاسی را اگرچه بطور موقت، ممانعت سازد حرکات شروع شده و با پای درآمدهای نفتی بیشتر تسریع نماید.

ازسال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۵۱، دوره برنامه عمرانی پنجاهه در صورت پی بردن به اجرا گذارده می شود. در خلال یک دوره هفتاد و هشتاد و یک میلیارد دلار نفت به فروش رسیده و در اقتصاد وابسته کشور تزریق می شود. ۹۸/۲ درصد کل تشکیل سرمایه ثابت جامعه را دولت عمده دار می شود. با تکمیل به استصلاح اسلماوات ررضی، زمینه اجرای دگرگونی حق طلبان سیاسی را فراهم می نماید. تمام سرمایه های ساختار اقتصادی ملی و امداد آن با یک ساختار فرا ملیتی فراهم می گردد.

در خلال سال های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶، سرفروشی نفتی از افزایش نسبتا و درآمدهای نفتی به اوج خود می رسد. طی برنامه پنجم کشور (۱۳۵۶-۱۳۶۰) ۸۳/۵ میلیارد دلار نفت به فروش رسیده و هزار و افزایش همه جانبه تر نقش دولت در نمایانده شدن ساختار اقتصادی تزریق می شود. بطور متوسط از کل ارقام تشکیل هفتده سرمایه کشور بیش از ۵۶ درصد آن سراسر بر امواج نفت و توسعه دولت نهاد می شود.

انقلاب اسلامی

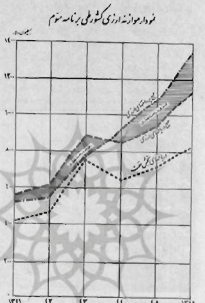
سرنوشت زمانی که تحت مسلمانان ایران اجباری نمایشنامه را متوقف ساختند و فرحت باستانی که تجربه گذشته را ارزیابی کنند خطوط کلی ریز را در آن ترسیم شده باشند.

گروهی هنرمند های جاری و عمرانی دولت بطور خود به صورت تدبیری منحصرا به فکر درآمد نفتی لاغ نمودند و هزینه مصرف عمومی در آغاز به سه شکل ۱- توسعه اداره امور عمومی و دفاعی، ۲- افزایش نامعقول در حقوق و مزایای دولتی و ۳- از قبیل که بنیان درآمدهای بخش خصوصی را هم گذاردی، به ۳۰٪ تبدیل با امداد های اقتصادی که اساسا به نفت کشور متنازع بود. درآمد این بخش تو به خود، الگوی مصرف این قشر را ساخت که در افزایش سریع مصرف های ملی سکنهای صنعتی، خدمات نبود. انقلاب اسلامی در تمام و نظامی های توسعه متجلی شد. این میان نمون خدمت در تولید ملی و در دلیل افزایش یافتی، یکی بخاطر گسترش عمرانی خدمات عمومی و دیگری به دلیل انقلاب بسیار زیاد خدمات خصوصی نوین که در

هر دو نیز هم طبقه ممتاز از همه بیشتر رشد تقاضای برای سکنهای صنعتی و ملجوع برای زمین های شهری، کمبود مواد اولیه ساختاری و به وجود آورده که تنها تأمین کننده آن از طریق واردات امکان پذیر بود. علاوه بر این که بیشتر پس اندازهای سوداگران داخلی در مجاری زمین بازی بکار رفتند به این ترتیب تورمی در بازار کمره به وجود آمد که تروت این طبقه را بیش از پیش متورم ساخت. تنها تعاف این وضع برای تده نشد کرد. شهرتیش، پیروجهت امداد اشتغال مولد و تقاضای برای یافتن مزده در این بخش دولتی و یکی از مهم به دلیل افزایش سریع لیفاها و اجاره های سکن از مردم می رفت. قسمتی از افزایش تقاضای برای اگانهای مصرفی و ملجوع، با افزایش تولید داخلی و قسمتی دیگر نیز با واردات مستقیم برآورده می شد و در این راه، باز طبقه ممتاز و وابسته عامل اصلی بود. اما می بینیم که اثر ایجاد اشتغال نیز صرفا به توسعه داخلی محدود می شود و انتقاد در تکمیل خدمات سرمایه بر، بر این محدودیت ها می تواند بر این حالت به برکزیبه به استنبی به اعتبارات فراوان و ارزان دولتی در قیاب کنترل ملی ارزی یعنی از راهی در وارد کردن ماشین آلات خارجی به کشور متورمی می باشد.

راه دهان، فاش و گشوداری سانه دولتی گریست بخش کشاورزی قرار به پاسخگویی به این افزایش نسبی

مورد مورد ارزی کوشی بر اساس تورم



تقلید نیوه که شاید در صورتی متفاوت، دست کم تا حدی موجب اشتغال رکنی و گشایی خدماتی (با بخش های آن) می باشد. صورتی معضلات دربرویون تقاضای افزایش یافته اعتباری باسرفروشان توتالی آن نشانده این عدم توانایی تا حدودی به عنوان نسبی و نهائی و تصور عدمی نیست به کشاورزی و استراتژی توسعه مربوط می شد. بهرحال کسود مواد غذایی در شهرها با افزایش واردات که تنها با وجود فرایند نفتی امکان پذیر بود، چران می شد. با وجود این به هفت خصوصیات زیر که در مورد حجم گدانهای وارداتی وجود داشت (به طور مثال ظریفی تا ناگانی بتادر، راهها، ابزارها و...) تا یک سو و تزجیع فرآورده های داخلی از سوی مصرف کنندگان (مثلا کسود تازه در مقابل کسود متحصصا) از سوی دیگر، که بر موز تقاضای تورمی به طور کامل جلوگیری نمی شد، به طور محدود در خلال سال های برنامه پنجم حدود ۲۵ درصد (۱۳۵۶-۱۳۶۰) کاهش قیمت ها شامل عمدهای ۷۵ درصد افزایش یافت. سرفره تورم قیمت فرآورده های غذایی به علاوه تورم در بهای سکن و خدمات شهرداری در همه به نیروی این کمپوزی وارد شد. دولت سعی کرد که این شرایط را با ارتبه سوسید برای فرآورده های غذایی در شهرها خلق کند. اما اینکه واضح است که در این شرایط نیز متناهی تقاضای بندگان نمی شد.

بهرحال درآمدهای نفتی در فعالیت های جاری و عملیات طرح های دولتی مصرف می شد و در استواری توسعه کشور بخش کشاورزی شدت مرده تعصب قرار می گرفته البته می توان با اطمینان برای می گویم که این الگو نیز بسیار از کشورهای در حال توسعه است. برای این منظور نیز در مطالعاتی نظیر طبقه توسعه توسعه نامعادل شدن رابطه سرمایه مملکتی فرآورده های نفتی، نفتی و فعالیت سرمایه خارجی وغیره وجود دارد. اما ارزیابی قانونی جایی میان کشورهای در حال توسعه معمولی و کشورهای سرمایه مند، نفت و وارد کرد کشورهای در حال توسعه معمولی باطنی، حتی الاکمالات برای تأمین مالی واردات مواد خام و ماشین آلات کشاورزی خود کمی هستند. از این رو در جهت تسهیل گرانگی، تقصیر درآمدهای کشاورزی اینها موجب بروز تورم شدید داخلی، بیکناری شهری و کسری موازنه ارزی گسیده می شود که این عوامل می تواند بازبسیاسی- اقتصادی- اجتماعی و سیاسی برای اصلاح سیاست گرانگی داشته باشد. اما نظر مردمیک کشور کشاورزی صادرکننده نفت، خام وضعیت به این صورت است که چرا که ارزی سرمایه ملی، نامتوسود (بریزه در خلال سالهای ۱۳۵۲-۱۳۵۶) ضرورت ارزی درحکم ارزی کلی برای واردات طهار می شود به این مناس، جامعه شهری به دلیل واردات فرآورده های کشاورزی در حال رشد به بازارهای، بطور کامل ارزگسار خود درجهامه و دستبانی مستقل و بیکنگی می شود.

باوجود مهاجرت غیر قابل اجتناب توده های مردم به شهرها، بازم هفتگان چندان روی آسایش نسبی بیشتر و ایجاد ارزاشیان از شدت مورد تجدید نظر قرار دهند. هفتگان تازه وارد و زجر بدگدایی، چه اقتصادی، چه اجتماعی و سیاسی و فرهنگش درجهایی زندگی شهری عوام می گردند. در همین حالت بدون آنکه سیاستهای عمومی و دولتی بتواند کمکی به حل این مشکل بکند به عنوان ابزار دست دلالت نامعادل و عدم نسبی یعنی تبلیغات و خدمات، به کار خود ادامه می دهد. شهرها در ارتباط با بخش کشاورزی می آیند و به درآمدهای پولی مجهز شده، مراکز دوره کالاها و خدمات دیده می شوند. طوفانی می کشد که روستاها به صورت متورمان شهری بزرگ درمی آیند و شهرها بزرگ خود متورم کشورهای درگرفته تر خارجی می شوند و آنها نیز به ندرت خود زیر نظر ابرسانها کار می کنند. متورم و ملجوع سرمایه داری وابسته که تمامی یکباره نمایان شده توسعه ۳۰ ساله کشور قبل از انقلاب با پنج برنامه عمرانی در دوره خلاصه می کند، راه گامل کشد.

روای تعددن بزرگ

در چند سال آخری که سرفره گان رویای تمدن بزرگه تا فرارسیدن نهضت انقلابی مردم ایران فرصت داشتند، آنها دچار بختی شدند. دستوری از نفت از سوی به سوختی، تقسید و بختگاری ناشی از تصور نگران کننده اقتصادی، نفت، محصولی و منگنی به رفت که برایشان ساخته بودند، آسانا در بازارهای پیش می آمدخت. بالاخره تصمصم گرفته شد تا از وابستگی اقتصادی کشور به نفت بکفایت، اما چون اقتصاد براساسی از نفت وابسته بود هرگز نمی توانست به این حد که آن وجود می آمد، شرف بود در نفت و ثروت را درآمدهای نفتی استفاده می شد تا از میزان وابستگی به درآمدهای نفتی کاسته شود.

این کافتن وابستگی و انکا به منابع داخلی از امداد اساسی برای تولید ملی جاری و عمرانی دولت های رژیم قبل انقلاب اسلامی لیسداد کرد و به دنبال آن طرحی نام باقیات فراوان به مرحله اجرا گذارده شد. آن دور درسد از ماینهاتن کار کشور با اسد بخش خصوصی و باعینن حرکات سازمانده و عمر در جهت تقویت کشور و متنوع ساختن اقتصاد کشور، دست به کار راه اندازی صنایع اساسی و متنوع شد و هزاران کامک مملکتی، رشد و توسعه اقتصادی در حرکات مورد نیاز قرار می گرفت. چنین وضعی در سدهای در حرکت بود تا ایجاد رشته های مختلف صنعتی و لسطه ای در نظام اقتصادی کشور، می توان مشکلات مملکتی و توسعه درآمد ملی در ارتباط با رشد صنعت و معارف و وسیع افروشد نمود. تقصیر جامعه روستایی را به زخم کز سواستان داد، کشورهای توسعه یافته خارجی وارد و به شهر کارهای آموزش و تخصصی و به اصطلاح تمدن بزرگی رزه شد.

این اقدامات که خاص جامعه ایرانی غراس نشده بود، در نقاط مختلفی در بخش آزمون خود را پس داده است. آنچه در کشورهای مختلف جهان در خصوص این استراتژی متفاوت بوده است یکی صلاح ایستگی است و دیگر نوع تک محصولی که کشورها بر آن متکی بوده‌اند و شاید یکی از شایسته‌ترین انتقادات وارد شده بر آن نیز متعلق به یکی از منتقدان دولت بزرگ باشد که چنین می‌نویسد:

«فکران تولد با «جانسون و جانسون» فساد و سرکشیست سلطه و «گولر» زنده می‌ماند. ما مایه‌ها ما مایه‌هاست که از ایالت معضله سیاست ساخت کارخانه های انگلیسی، فرانسوی و آمریکائی تهیه شده‌اند به تن می‌کنیم. دانه‌های خود را با صیقل دندان و کلنگیت و مسواکهای طلایه می‌بوسیم. کتیم ما دست و رویمان را با سابون‌های ملیپور و با «پالمولیر» می‌شویم و فرودمان را با نهیهای دولت، اصلاح می‌کنیم ... و... وقتیکه این نعمت نصیب ما شد و مرگ به سراغ ما آمد مثلا بخاطر سرانگاری ربه‌ای که برات کشیدین سگهاره انگلیسی و آمریکائی، دانشگر می‌شود، بالاخره امکان مشارکت امته تنها در چند درصد جایز از اقتصاد ملی، برایشان پدید خواهد آمد، زیرا که قبرستانها پوسیده خود ما اداره می‌شوند.»

به این ترتیب در سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶، با اتخاذ یک سیاست سرمایه‌های گزافی ناخوار، کشور به کسب اموال سرمایه داران سوادگر بدل گشت و در این موقفت، اینان که از گرد راه وارد می‌شدند مدیون سیاست اقتصادی دولت بودند. این سیاست بصری، فاطح و ریاست در سیاست و ایستگی کامل به خارج حرکت می‌کرد. و براساس یکی از آمارها که در زمینه کسب اموال سرمایه‌های بی‌بهره‌زیالی اسلامی ایران برای سال ۱۳۵۸ انجام گرفته است، میزان اموال کسب کشور از لحاظ مواد اولیه بطور متوسط ۵۷ درصد بود که این ایستگی در برخی از صنایع نظیر صنایع کاغذ و مواد چوبی، صنایع باغ و بار، حاصل بوده است. در زمینه ماشین آلات، تجهیزات، ابزار و محصولات فلزی که از خارج وارد می‌شد، محسوب می‌شوند. حدود ۸۵ درصد مواد اولیه در میان افلام

مقایسه ترکیب درآمدهای دولت در سالهای ۱۳۴۱ و ۱۳۴۵ (میلیارد ریال)

| سال ۵۷ خ (درصد ۵۷) | ۱۳۴۵ | | ۱۳۴۱ | |
|--------------------|-------------|---------------|-------------|---------------|
| | درآمد عمومی | درآمد اختصاصی | درآمد عمومی | درآمد اختصاصی |
| ۱۸/۸ | ۱۰/۳ | ۵۰/۴ | ۴/۸ | ۷/۱ |
| ۴۰/۵ | ۵/۶ | ۲۷/۳ | ۳۸/۸ | ۳/۵ |
| (۱۷/۰) | (۳/۷) | (۱۷/۰) | (۱۷/۸) | (۲/۷) |
| (۳۰/۳) | (۱/۰) | (۹/۳) | (۹/۲) | (۰/۸) |
| ۱۸/۳ | ۱/۹ | ۹/۳ | ۱/۲ | ۱/۳ |
| ۷/۶ | ۱/۵ | ۷/۲ | ۷/۱ | ۱/۵ |
| ۴۰/۰ | ۰/۸ | ۳/۸ | ۳/۷ | ۰/۲ |
| - | ۰/۴ | ۱/۷ | ۱/۷ | - |
| ۱۹/۴ | ۳/۴ | ۱۰۰ | ۱۳/۸ | ۱۰۰/۰ |
| | | ۲۰/۳ | | |

در عیارت دیگر، سرزشت بر اجناسی - کمتر درون‌ت و به میزان بسیار زیادی درون‌ت - می‌گویی به بیرونی خلافت و کار کسبای دارد که در آن اجناسی کار می‌کنند و سوجونی و تکثیر تروت جنبه‌های مثبتی از دلایلی هستند که شخص ممکن است از دلایل بکار بردارد. این نوع از دلایل را اگر بپادشاهی‌های مادی، برای کار بیان کنیم، آنگاه خواهیم دید که می‌توان به این مجموعه از دلایلی دیگر از آن جنبه‌های منفی و مثبتی برای انجام کار دارد، مانند ترس از گرسنگی و انواع از نشانه‌های اقتصادی دیگر اضافه کرد. برای این بخش از دلایلی این کار، اگر عبارت از کبیهرهای مادی، برای کار استنتاج کنیم و کبیهرهای مادی و پادشاهی‌های مادی برای کار را کنار بگذاریم، می‌توان به این دلایل دیگر از آن جنبه‌های منفی و مثبتی اقتصادی‌ای که در مقدمه فاسون با اصلاح مادی، مشخص شده، به کسبای که کار می‌کنند ساهیات امروخته‌اند که آنان با برای گریز از کبیهرهای مادی است که به کار نمی‌دهند و بالعکس برای کسب پادشاهی‌های مادی اثری از باور و پذیرش، در بحث سیستم اقتصادی اسلامی، کار در همین جا به اتمام نمی‌رسد به عبارت دیگر، اگر وجه تساهل سیستمهای اقتصادی، ما می‌توانیم با انگیزه‌های است که این نظامها با استناد به اینها افراد جامعه را به کار شوق و باوادی به کار می‌کنند، نظام اقتصادی اسلامی با دیگر نظامهای متفاوت است، چون انگیزه‌های مایه‌جانبه متفاوت را می‌پذیرد. به همین مناسبت در اصل دوم قانون اساسی چنین آمده است:

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

۱- خدای یکتا (الله الا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح

به او در زمین و بر آسمان و...

۲- حریم الهی و نفس نبیانی آن در میان قرآنین

۳- معاد و نفس سائزده آن در سیرتکاملی انسان به سوی خدا.

۴- عقل خدا در خلقت و تشریح

۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تدام

انقلاب اسلامی.

۶- کرامت و ارزش بالای انسان و آزادی نوام با مسئولیت او در برابر خدا.

۷- کار، که از...

۸- ایجاد مستمر تقه‌های جامع شرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام الله علیهم اجمعین

۹- ب استقامت، از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها.

۱۰- نفی هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه گری.

۱۱- حفظ و غنل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی ملی راتمامی می‌کنند. یعنی، «بسیار به انسان» خدا و ستم به هرگز نمی‌تواند ستمی و ستمی را بازگشت به او، ایست برترگرمی و مستحقین و یکی این مکتب اجتماعی که پایه به ستمی حیات اجتماعی آن خون برساند، فریبتن و مفترترین نیروی اداره کننده و مکتبگیم کنترل درونی آن جامعه و مستحقترین رمز تفریق و جدائی، مایه‌ش آن با ستمیست.

۱۲- از سوی دیگر، از زمانی که رسما از نظر حقوقی منسوخ

ایران با ۲۷/۹ درصد بیشترین تعداد و بنیاد مستغنیان و وزارت صنایع سنگین با ۲۰ و ۸/۷ درصد به ترتیب در صنایع مادی و سوم قرار داشته‌اند. اما با وجود این قلت تعداد صنایع تحت مدیریت بخش عمومی، در سال زمبور ۷۰/۸ درصد ارزش افزوده کل کارگاههای بزرگ صنایع مستغنی به این گروه از صنایع بوده که ۲۸ درصد از کل نیروی شاغل در صنایع کشور نیز در این صنایع مشغول بکار بوده‌اند.

به این ترتیب در سال اول پس از پیروزی انقلاب اقبل از اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی تعیین و از تصویب نهایی ملت ایران بگذرد، جمهوری کار برای حرکت در راه استقرار سیستم اقتصادی خود چه از لحاظ نظری و چه در

✳ در سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۶ با

اتخاذ یک سیاست سرمایه‌های گزافی

ناهیجان از سوی دولت، کشور به

کسب اموال سرمایه‌داران بدل شد. این

سیاست به صورتی قاطع و سرراست

در جهت ایستگی کامل به خارج

حرکت می‌کرد.

واریاتی بوده است.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران بطور کلی مصادف است با دگرگونی بنیادی در سیستم اجتماعی - سیاسی ایران به امید تحولات سیاسی اقتصادی نمی‌ان.

بیراث آشفته‌گی می‌دوران شروع انقلاب تا پیروزی آن تا حدودی پس از پیروزی انقلاب روابط ضمنی می‌اف که مابین بخشهای اقتصادی وجود داشت برپایه و بنیاد و به طرف دیگر در قالب آن روابطی هم که در گذشته برپایه آن

این فعالیتها انجام می‌گرفت. امکان کار و فعالیت وجود نداشت. میزان سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف روجه کاهش نهاد. با ظهور یکی متوقف شد تکلیف اقتصادی زمینه‌های اقتصادی است. کارخانجات و شرکتها منهدم شدند. مدیریت مؤثر و کارآمد منحل شدند و با باقی ماندن تا برپایه مالی - سیاسی دولت بی‌اقتدار.

مستقلی از این قبل در فشار دولت وارد می‌آورد که

کاهش کرد کشید و بطور مستقیم در زمینه‌های اقتصادی بطور همه جانبه وارد عمل شود. ابتدا در سال ۱۳۴۰ شرکت

و موسسه تولیدی عمومی ملی اعلام شد و سپس اقدامات

در زمینه احست بخش عمومی را در برخی بخشها مستقیم به صنایع به نحو درازمدتی گسترش داد.

بطوریکه براساس آمار کارگاههای بزرگ صنعتی تحت مدیریت بخش عمومی که در سال ۱۳۴۲ از سوی مرکز آمار

ایران منتشر شده است. در سال ۱۳۴۱ از ۳۴۸ کارگاه

صنعتی دارای فعالیت، ۹۲۲ کارگاه یعنی ۱۲/۴ درصد آنها

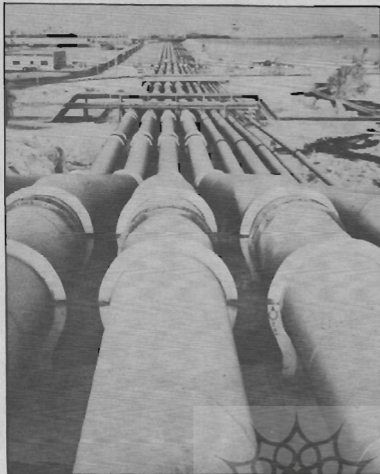
تحت مدیریت بخش عمومی بوده است که سازمان صنایع ملی

تحت مدیریت بخش عمومی بوده است که سازمان صنایع ملی

تحت مدیریت بخش عمومی بوده است که سازمان صنایع ملی

تحت مدیریت بخش عمومی بوده است که سازمان صنایع ملی

تحت مدیریت بخش عمومی بوده است که سازمان صنایع ملی



شدن سیستم اقتصادی گذشته اعلام می شود. تا آن زمان که سیستم نوین استقرار می یابد، فاصله و وقفه زمانه ای که در ارتباط با شرایط متغیبات اجتماعی در جامعه ای این فاصله زمانی ممکن است طولانی یا کوتاه باشد، وجود خواهد داشت. در تمامی این مدت، یک جریان دائمی زواری و جایگزینی انگیزه بین کار به حیات خود ادامه می دهد. از یک سو بخشی از عادات و بنیادهای کار سابق ناپدید می شود و تدریجاً بخشی از آن نیز در دستور کار قرار می گیرد. از سوی دیگر باید انگیزه کارگری جایگزین آن شود. تمامی نظامهای اقتصادی و اجتماعی در این دوران انتقالی با این مسئله کلیدی روبرو بوده اند که در میان «نیروها و عوامل» و «کارکردهای» موجود در جامعه (اعم از اقتصادی - اجتماعی - سیاسی) کدام نیروها و عوامل باید نقش «نظام دهنده» را عهده بگیرند و کدام یک از آنها نقش «مکمل» را!

در انگلستان برای انقلاب صنعتی، آنکا به دولت بسیار ناچیز بود و کلیه امور به مشارکت مخترعان و کسانی که از پادشاه تا در وقت کار می کردند آنکا داشت. فرتیه انقلاب، اگر چنین فرتیه ای وجود داشته، ضایرت بوده است از خودباری در میان صنعت و بازرگانی آزاد میان کشورها. در اعلان دولت دولته برای کلیت یک سیاسی حسن بنیاد شده بود. در ایالات متحده آمریکا، قدرت روز افزون صنعت به جلب حمایت دولت مرکزی و حکومتهای ایالتی منوجه بود تا منابع سرشار آن قرار.

در زاین برورگرتانی سامورانی به اجرای یک برنامه جامع فرتیه می شد، دست رده و در عین حال بوجه داشتند که ترکیب اجتماعی موجود از میان نرود. دولت راسا موسسات تولیدی

✽ پس از تصویب قانون اساسی از لحاظ نظری چهارچوب کل تقس، وظائف و حدوددخالتهای دولت مشخص شد که کلیدی ترین آنها «نظام دهی» سیستم اقتصادی کشور است. در سایه این وظیفه بنیادی تحقق حیاتی آن است که بحث مالکیت و آزادی عمل بخشهای مختلف فعالیتهای اقتصادی باید معنی پذیرد و عزم سیاسی - اقتصادی - اجتماعی لازم برای حرکت در مسیر تحقق اهداف عالی نظام اسلامی در کشور فراهم شود.

۱۶- تأمین آزادیهای سیاسی و اجتماعی در خودد قانون. ۱۷- مشارکت عامه برود در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش. ۱۸- برقر تعصبات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه. ۱۹- در تمام رتبه های مادی و معنوی. ۲۰- ایجاد نظام آفاری صحیح و حذف تشکیلات غیر ضروری. ۲۱- تالیوت کامل همه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور. ۲۲- بی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفیع فقر و برطرف ساختن فرتوح محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه. ۲۳- ارتقای خودکفائی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی.

بنابراین دولت در جهت استحکام بخشیدن به سیستم نوین، موظف است تغییرات بنیادی فوق که تمامی زمینه های زندگی افراد ایجاد اعم از اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی را در بر می گیرد بوجود آورد. محصره این تغییرات و دگرگونیها که می بایست آگاهانه انجام پذیرد، در چهار چوبی قرار می گیرد که قانون اساسی، به آن «برنامه ریزی و برنامه اقتصادی - اجتماعی» نام می دهد. با وجود چنین فلتسی برای فعالیتهای گوناگون است که رهبری و مدیریت سیاسی جامعه معطش می شود که «کارکرد» عوامل و نیروهای مختلف در جهت نیل به اهداف او در حرکت است. با وجود این، انسان برود با و صاحبان استنها حاکم می شود با خیر و با سیاستهای این بخش است که پیوسته اصلاحات لازم را انجام می دهد و حرکت را در مسیر اصلی حفظ می کند (الی الله المصلح).

سرتابع در اصل چهل و چهارم در رابطه با نظام اقتصادی

کشور تمامی سخن خلاصه می شود که «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدا و شبکه های بزرگ امرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و معادن اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکتها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، باعداری، صنعت، تجارت و خدمات می شود که مکمل فعالیتهای اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش به این ترتیب پس از تعصب قانون اساسی، از لحاظ نظری چهارچوب کلی کلی، وظائف و حدود دخالتهای دولت مشخص می شود که کلیدی ترین و تعیین کننده ترین آنها: نظام دهی سیستم اقتصادی کشور بطور کلی است. در سایه این وظیفه بنیادی و تحقق حیاتی آن است که بحث مالکیت و آزادی عمل بخشهای مختلف فعالیتهای اقتصادی باید معنی پذیرد و عزم سیاسی - اقتصادی - اجتماعی لازم برای حرکت دهی حاشیه در مسیر تحقق اهداف عالی نظام اسلامی در کشور فراهم شود.

دگرگونی همه جانبه بعد از این مرحله در شیوه زندگی باعث دگرگونی مردمی می شود که به شیوه جدید زندگی می کند. در اینجا انسان بسیاری از حضان برود ذهنیتهای را که در سیستم اقتصادی سابق پیرامون زندگی و کار داشت با خود به جامعه جدید می آورد و از اثر دگرگونی های همه جانبه سهولت انجام نمی گیرد. اما اشتکات تنها راهی است که پیروزی حلیلی در این زمینه نام خواهد داشت.

بزرگ دایر کرد، امکان اظن تکنولوژی بشرشته را از کشورهای خارجی فراهم آورد و در امور مالی سیاسی بخش گرفت که موجب تشویق افرادی که کار می کردند بود. و در اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در این خصوص می خوانند که:

دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم (یعنی نظام بخشیدن) همه امکانات خود را برای امروز به کار برد. ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی بر اساس ایمن و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد زواری. ۲- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه های استفاده صحیح از موقوفات و رسانه های گروهی و وسائل دیگر.

۳- آموزش و پرورش و تربیت بنی رابگن برای همه. در تمام سطوح و تشکییل و تعمیم آموزش عالی. ۴- تشویق روح بروری و رتیب و رادکار. ۵- تمامی زمینه های علمی، فنی و فرهنگی و اسلامی از طریق تأسیس مراکز تحقیق و تشویق مستفاد. ۶- طرح کلی استعمار جلوگیری از نفوذ اانب. ۷- کار هرگونه استعمار، خودکامی و انحسار ملی.